

## محوالات

سرویس حوادث، ۲۰۰۶۰۸۵۲۳

باز کاوی چرایی افزایش آمار کشته‌های موتورسواران در گفت‌وگو با محمد پیروی خامنه – روانشناس

# فشارهای اقتصادی روی سوانح مرگبار اثر می‌گذارد

■ حسین فصیحی

پراساس گزارشی که پلیس راهور تهران اعلام کرده است، ۵۰ درصد قربانیان سوانح رانندگی با یخت موتورسواران هستند. فارغ از آمار بالای سوانحی که موتورسواران رقم می‌زنند، نقش مهمی هم در بی‌انضباطی ترافیکی ایفا می‌کنند، به‌طوری‌که به‌کارگیری سناز و کارهای قانونی در انضباط‌بخشی به آنها موفق نبوده که این موضوع را از منظر روانشناسی با محمد پیروی خامنه باز کاوی کرده‌ایم:

**آمار بالای قربانیان سوانح رانندگی که موتورسواران در آن نقش دارند، حکایت از آن دارد که بسیاری از متخلفان با علم به اینکه عمل آنها ممکن است به بروز سانحه منجر شود دست به تخلف می‌زنند. دلیل بروز این رفتار را از منظر روانشناسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

به نظر می‌رسد فشار اقتصادی که روی مردم است، آنها را توجه به خودشان و اینکه دست به چه رفتاری می‌زنند، بازی‌مدارد. در روانشناسی منفی مطرح است به نام مثلث نیازها که معمولاً در پایین‌ترین قسمت آن، نیازهای غریزی و فیزیولوژی مثل آب، اکسیژن، خواب و نیازهایی از این قبیل قرار دارد که اگر این نیازها تأمین نشود، نیاز بالایی که احساس ایمنی است هیچ وقت تأمین نخواهد شد. در نتیجه این مسئله بیشتر در این حوزه مطرح می‌شود. وقتی مردم به دنبال نیازهایشان هستند به مواردی مثل خرابی وسیله نقلیه، نداشتن کلاه ایمنی و مواردی از این دست توجه نمی‌کنند.

فردی که کلاه ایمنی مناسب ندارد یا همان کلاه غییرایمن کنار می‌آید. در موارد بعدی آموزش‌ها، بازرسی، کنترل، مراقب بودن و راهنمایی و رانندگی قرار دارد، اما راهنمایی و رانندگی نتوانسته در این سال‌ها بلندی خود را به درستی ایفا کند. شاهد هستیم که مثلاً پلیس کمین می‌کند تا موتورسواری را که بدون کلاه در حال تردد است متوقف کند، و اینکه او را راهنمایی کند. این رفتار پلیس راهنمایی نیست. در ادامه موتور باید ۱۰ روز در پارکینگ بماند، چراکه باید متخلف ۱۰ روز هزینه پارکینگ را بپردازد. بعد هم متخلف باید تمام هزینه‌های مربوطه را پرداخت کند تا بتواند موتورش را تحویل بگیرد. زمانی که راکب با این موضوعات برخورد می‌کند، در لحظه زندگی می‌کند و با خودش می‌گوید شاید موتور را نگرفتند یا اینکه خلاف جهت حرکت می‌کند که زودتر به مقصد برسد تا فرزندش مقابل مدرسه

معطل نماند. همه اینها برمی‌گردد به مسائل جامعه و در رأس آن مسائل اقتصادی که فرد تأمین نیست. مسائل دیگری هم در این موضوع مطرح است، از جمله اینکه چنین فردی نه‌تنها خلاف جهت حرکت می‌کند، بلکه مجبور است تا نیمه‌های شب کار کند و زمانی که به خانه می‌رسد، حال ووصله همسر و فرزندش را ندارد، برای همین می‌خواهد و نیازهای خانواده از ابعاد دیگری برآورده نمی‌شود.

از جمله اینکه تاریخ تولد فرزندش را نمی‌داند یا نمی‌داند بچه‌اش به کدام مدرسه می‌رود و مسائلی از این دست که با هم در ارتباط است. همانطور که گفتیم در رأس آن به دنبال یک لقمه نان است که فعلاً آن را تأمین کند. این موضوعات دست به دست هم می‌دهند تا جایی که افراد پس از بروز تخلف در مواجهه با قانون حالت غیرعادی از خودشان نشان می‌دهند. بارها دیده‌ام که پلیس، موتورسوار متخلف را متوقف کرده است. فرد متخلف می‌داند باید تاواون تخلف خود را بدهد و با اینکه در لحظه می‌پذیرد، اما با پرخاشگری می‌خواهد از مأمور پلیس انتقام بگیرد. در چنین شرایطی زیر قانون می‌زند و می‌بینیم که موتورسواران تابع هیچ قانونی نیستند.



**پس به باور شما، کسانی که با معضلات اقتصادی کمتر درگیرند، کمتر هم دچار این معضلات می‌شوند؟**
بله، همین‌طور است. این افراد در جامعه رشد کرده‌اند. با این عوامل دیگری مثل خانواده مراقب هستند که بدون کلاه رانندگی نیند و اگر موتورش خراب است از آن استفاده نکنند، اما نوجوان و جوان امروز به این موضوعات توجهی ندارد. اگر به ۱۰ سال قبل برگردیم، می‌بینیم که مثلاً فلان آقا زده کلاه ایمنی وارد کرده است که باید به فروش برساند، برای همین در مقطعی با کسانی که کلاه ندارند، برخورد می‌کنند و بعد که تمام شد، رها می‌شود. از همین‌رو این موضوعات با سیاست‌های بعضی تصمیم‌گیرندگان در ارتباط است. همچنین امکان است موتورسیکلت یا لاستیک غیراستاندارد با پرداخت هزینه، استاندارد را گرفته باشد و استفاده از آن به حادته منجر شود. همین موضوع دست به دست هم می‌دهند تا جایی که شاهدیم راکب خودش سوار موتور و همسر و دو فرزندش را هم سوار کرده، آن هم بدون کلاه ایمنی و اینگونه به استقبال خطر می‌روند. اینگونه رفتارها کاملاً غیرعادی، غیرقانونی و غیرانسانی است و زمانی هم که به او انتقاد کنید، توجهی نمی‌کند.

## دزدبشانس قربانی زیرکی مالباخته شد

تعمیب کرد، اما بدشانسی آورد و وارد کوچهای

بن‌بست شدم. سوومین بار هم وقتی فرار می‌کردم پایم بیچ خورد و زمین خوردم و مأموران مرا دستگیر و برای درمان به بیمارستان منتقل کردند. در بیمارستان تصمیم به فرار گرفتم و وقتی مأمور پلیس برای گرفتن داروهایم از اتاق بیرون رفت از فرصت استفاده کردم و لباس پزشکی را پوشیدم و به پشت‌بام رفتم تا از خانه‌های اطراف فرار کنم، اما وقتی به داخل حیاط پشت بیمارستان پردم، تازه متوجه شدم اینجا اداره پلیس است. مأموران پلیس مرا بالباس پزشکی بازداشت کردند.

**همین دوستان سرتقت می‌کردی؟**
نه، معمولاً تنهایی سرتقت می‌کردم، اما آخرین بار که به زندان افتادم این نقشه به فکرم رسید و تصمیم گرفتم وقتی آزاد شدم سه نفری و به این شیوه سرتقت کنم.

**کی از زندان آزاد شدی؟**
شش ماه قبل آزاد شدم. البته پس از تحمل حدود هفت سال حبس آزاد شدم و این باندر را تشکیل دادم.

**چرا زندان درس عبرت نشد؟**
ما سابقه داریم و کسی به ما کار نمی‌دهد، درآمد سرتقت هم خوب است، به همین دلیل وسوسه می‌شویم که سرتقت کنیم.

**تلفن‌های سرتقتی را چند می‌فروختید؟**
بستگی به مارکتش دارد. البته ما چون تعدادی می‌فروشیم پول زیادی گیرمان نمی‌آید.

**مالخرها را معرفی کردید؟**
بله، ما به دو مرد نگاهدار که در کار خرید و فروش ملک بودند، تلفن‌ها را می‌فروختم و مأموران هم آنها را دستگیر کردند.



و با فریاد ای دزد، ای دزد از رهگذران درخواست کمک کردم و سارق را دستگیر کردم.»

**اعتراف**
متمهم در بازجویی‌های ابتدایی خودش را به نام دیگری معرفی کرد، اما مأموران پلیس در بررسی پرونده متهمان سابقه‌دار دریافتند و سارق سابقه‌داری به نام فرزین است که چند ماه قبل از زندان آزاد شده است. متمهم در بازجویی‌های بعدی به سرتقت‌های سریالی با همدستی دو نفر از دوستانش اعتراف کرد. در ادامه مأموران به همدست او را هم بازداشت کردند. متهمان پس از اعتراف برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی محمد ولد‌ی‌بیراوند، بازریس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرتقت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

**گفت‌وگو با متمهم**
**بدشانسم**
فرزین مدعی است در طول زندگی‌اش هیچ وقت

■ آرمین بینا

سارق سابقه‌داری که با همدستی دو نفر از دوستانش با اجرای نقشه دعسواوی صوری داخل اتوبوس و قطار شهری، تلفن همراه مسافران را سرتقت می‌کرد، در آخرین سرتقت بازرگی مالی مالباخته‌به‌دام افتاد. مأموران پلیس دو همدست او را نیز بازداشت کردند.

شهرپورماه اسامال مأموران پلیس تهران در جریان سرتقت‌های سریالی از مسافران اتوبوس‌های تندرو و قطارهای فرار گرفتند و تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان آغاز کردند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت سه مرد جوان در ایستگاه‌های شلوغ سوار قطار شهری و اتوبوس‌های تندرو می‌شوند و یکی از آنها به بهانه اینکه از قطار یا اتوبوس جان‌نماند، مسافران را هل می‌دهد و دو همدستش هم پس از دعوی صوری، به همراه مسافران می‌کنند.

مرد جوانی که اواخر شهریورماه تلفن همراهش داخل اتوبوس شهری سرتقت شده بود به مأموران گفت: «محل کارم در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر است و برای رفتن به خانه همیشه از اتوبوس‌های تندرو استفاده می‌کنم تا زودتر برسم. ساعتی قبل تعطیل شدم و برای رفتن به خانام به ایستگاه اتوبوس آمدم. مسافران زیادی در ایستگاه منتظر بودند و وقتی اتوبوس رسید به سختی همراه تعداد دیگری مسافر سوار شدم. وقتی اتوبوس به راه افتاد، مرد جوانی به بجهان اینکه جابه‌جا شود هل می‌داد و دو مرد جوان دیگر هم به او اعتراض می‌کردند و حتی با مرد جوان درگیر شدند. وقتی به مقصد رسیدم و از اتوبوس پیاده شدم تازه فهمیدم که تلفن همراهم سرتقت شده است. من تلفن همراهم را به تازگی خریده بودم و ارزش زیادی داشت. الان هم احتمالاً می‌دهم مردی که داخل اتوبوس هل

**مفقودی**

برگ سبز و برگ کمبانی خودرو سواری زانتیا SXمدل ۱۳۸۸ رنگ نوک مدادی شماره پلاک (ایران ۱۱ – ۶۵۲ ج ۹۳) به شماره موتور ۱۰۳۵۶۰ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۸۱۳۸۲۶ متعلق به سید مصطفی رونتی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

**آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص خدمات رایان بهمین پرداز به شناسه ملی ۱۰۸۶۰۷۶۳۳۳۶**
**۳۹۰۱۶۶ ثبت ۱۴۰۲/۰۶/۰۸**
تصمیمات ذیل اتخاذ شدن حسب مشاعی به شماره ملی ۰۰۸۲۸۹۷۰۳۴ به نمایندگی از شرکت جهان گشتن نور به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۲۴۹۵ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۴ انتخاب گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۶۱۲۵۶۰)

سه‌شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۲ | ۱۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۵

**شکایت از پدر**

**به اتهام آدم‌ربایی**

تحقیقات پلیس پایتخت درباره ادعای مردی که می‌گوید پدرش وی را به خاطر اختلاف مالی رسوده و در کمپ ترک اعتیاد بستری کرده‌بود، در جریان است.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل مرد جوانی در تهران به اداره پلیس رفت و از پدرش به اتهام آدم‌ربایی شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «چند سالی است همراه پدرم کار می‌کنم تا اینکه با هم اختلاف مالی پیدا کردیم. هر چندر تلاش کردم اختلاف ما حل شود، فایده‌ای نداشت و پدرم قبول نمی‌کرد. به همین دلیل چندباری ما با هم درگیر شدیم تا اینکه یک ماه قبل داخل خیابان ناگهان خودرویی راه مرا سد کرد و سه مرد جوان به زور مرا سوار خودرو و به کمپ ترک اعتیاد در جنوب تهران منتقل کردند. آنها مدعی بودند من معتادم و به دستور خانوادهم مرا به کمپ مرابه شدت زند، به طوری که چند روزی حالم بد بود و توان راه رفتن نداشتم. آنها هر چند روز یک‌بار مرا شکنجه می‌دادند و می‌گفتند باید سختی بکشم تا برای من درس عبرتی شود و دوباره به اعتیاد روی نیآورم، اما من معتاد نبودم و مطمئن بودم فردی آنها را اجیر کرده تا به بهانه ترک اعتیاد از من انتقام بگیرد. به هر حال تلاش زیادی کردم تا از کمپ رها شوم، اما نتیجه نگرفتم تا اینکه تصمیم گرفتم به فرار خودم را راسموم کنم و وقتی به بیمارستان منتقل شدم،از دست آنها فرار کردم. یک روز قبل مقدار زیادی شربت مخصوص ترک اعتیاد خوردم و حالم بد شد و کارکنان کمپ هم مرا به بیمارستان منتقل کردند و من از فرصت استفاده کردم و از بیمارستان فرار کردم. بلافاصله به خانام رفتم و زم‌با دین من شو که شد و گفت یک ماه قبل سر نوشت مرا از پدرم خرید اما پدرم ادعا کرده خبری از من ندارد و بعد هم به اداره پلیس رفته و برای من اعلام مفقودی کرده‌است. الان من مطمئن هستم پدرم آن سه مرد را اجیر کرده تا مرا ربایند و در کمپ زندانی کنند و از آنها به اتهام آدم‌ربایی شکایت دارم.»

با طرح شکایت مرد جوان، بازرس پرونده به مأموران دستور داد از مسئول کمپ مورد نظر و کارکنان آن درباره حادته تحقیق کنند. همچنین پدر شاکی برای تحقیق به دادسرا احضار شد. تحقیقات برای روشن شدن زوایای پنهان این حادته ادامه دار.

**بازداشت سارقان مسلح طلافروشی**

**در شرق تهران**

سه سارق مسلح که با دستبرد به یک طلافروشی در غرب تهران در حال فرار بودند، بازداشت شدند.

سرهنگ امیروهشنگ امیری، سر کلانتر چهارم پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: روز گذشته مأموران عملیات ۱۲۶ تهران پارس از سرتقت مسلحانه به یکی از طلافروشی‌های محل با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که سارقان سه نفر بودند که سوار بر خودروی سواری از محل متواری شده‌اند. بعد از آن بود که مأموران پلیس در جریان بررسی‌های میدانی موفق شدند خودروی متهمان را شناسایی کنند. وقتی مأموران پلیس به راننده فرمان ایست دادند، او بدون توجه به فرمان پلیس با فشار روی پدال گاز از محل دور شد، با این حال مأموران موفق شدند خودرو را متوقف کنند. همزمان با توقف خودرو یکی از متهمان با سلاح سرد به سمت پلیس حمله کرد و موفق شد به همراه دو همدستش فرار کند. بعد از آن بود که عملیات تعقیب و گریز تا فلکه دوم تهرانپارس ادامه پیدا کرد و مأموران بار دیگر خودروی آنها را متوقف کردند. همزمان با توقف خودرو یکی از متهمان این‌بار با اسلحه به سمت پلیس تیراندازی کرد که مأموران موفق شدند وی را زمینگیر و به همراه دو همدستش بازداشت کنند. مأموران پلیس در بازرسی از خودروی متهمان ۱۰۰ میلیون تومان طلازی سرتقتی کشف کردند. متهمان در بازجویی‌های اولیه به سرتقت‌های سریالی اعتراف کردند. بررسی برای کشف جرائم بیشتر آنها جریان دارد.



**دوقلوها ۵۰ خانه را خالی کردند**

فرمانده انتظامی استان قزوین از دستگیری دوقلوهایی که به ۵۰ منزل دستبرد زدند، خبر داد.

به گزارش «جوان»، سردار علی ابراهیمی گفت: مأموران پلیس قزوین همزمان با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرتقت منازل در این‌بار، تحقیق کردند. وی ادامه داد: بررسی‌های پلیس نشان داد سارقان دو برادر دو قلوها ل شهری در غرب کشور هستند که با تشکیل باند برای مدتی راهی قزوین می‌شوند و خانه‌های مردم را خالی می‌کنند. سردار ابراهیمی گفت: با کامل شدن بررسی‌ها، مأموران پلیس موفق شدند چهار عضو باند را شناسایی کنند و در حالی که از شهرستان راهی قزوین شدبوند، در ورودی شهر بازداشت کنند. وی ادامه داد: متهمان در بازجویی‌ها اعتراف کردند در جریان سرتقت از ۵۰ ساختمان مسکونی ۴۰ میلیارد تومان سرتقت کرده‌اند که تحقیقات از آنها جریان دارد.

**سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

**اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی**

**آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۴ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی**

برابر رای شماره ۱۳۱۹۲ الی ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلاعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در نوبت بافاصله ۱۵ روز آگهی میشوند در صورت تیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

۱- آقای امین حسین زاده به شناسنامه شماره کد ملی ۲۸۲۰۲۴۲۳۰۱ صادره فرزند علی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۹۹/۱۱ مترمربع قسمتی از شماره - فرعی از - ۷۷۲ - اصلی واقع در آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک ماکو از نسق زراعی امان اله حسین زاده کلاسه - ۱۶۰- ۱۴۰۲ - ۲- امین حسین زاده به شناسنامه شماره کد ملی ۲۸۲۰۲۴۲۳۰۱ صادره فرزند علی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۳۱/۴۹ مترمربع قسمتی از شماره - فرعی از - ۷۷۲ - اصلی واقع در آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک ماکو از نسق زراعی امان اله حسین زاده به کلاسه ۱۶۳- ۱۴۰۲ - ۳- آقای امین حسین زاده به شناسنامه شماره کد ملی ۲۸۲۰۲۴۲۳۰۱ صادره فرزند علی در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۲۲۰/۳ مترمربع قسمتی از شماره - فرعی از - ۷۷۲ - اصلی واقع در آذربایجان غربی بخش حوزه ثبت ملک ماکو از نسق زراعی امان اله حسین زاده کلاسه ۱۶۲- ۱۴۰۲ -

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

شناسه آگهی: ۱۶۰۵۲۴۲۶

بهنام کاروری روی زاده

رئیس اداره ثبت شهرستان ماکو

**سپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا**

**مهناز جهانفر**

شناسه آگهی: ۱۶۱۱۶۶۹۱

تاریخ انتشار نوبت اول: روز سه‌شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۰۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۹/۲۲

شناسه آگهی: ۱۶۱۱۶۶۹۱

سپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا

**مهناز جهانفر**